

رئیس احمد نعمانی (علیه‌الرحمه)

مهر جهان تاب

(نادر ترین نسخه خطی فارسی در کتابخانه ندوة العلماء)

نزدیک به نود سال پیش^۱ که کتابخانه های رام پور، پتنه و حیدرآباد مانند امروز توسعه یافته، معرف و در دسترس استناده عموم نبودند، جمعی از عالمان دین و دانش مندان مهین و روشن فکران دوربین که از نقاط مختلف هند دسته بندی شده بودند، حرکت ندوة العلماء را تشکیل دادند و سپس دارالعلومی در نظارت ندوة العلماء در لکهنؤ تأسیس شد که امروز بعنوان یک دانش گاه اسلامی و عربی در سراسر جهان نامش برده می شود.

از مقاصد زیر بنایی بنیان گذاران دارالعلوم ندوة العلماء تأسیس کتابخانه بزرگی نیز بوده که چند سال پس از دارالعلوم نام برده بنهادش نهاده شد و امروز از کتابخانه های مهم شرقی بشمار می رود.

کتابخانه ندوة العلماء دارای نزدیک به صد هزار (یک لک) کتابهای عربی، فارسی، اردو، هندی و انگلیسی است و علاوه بر کتابهای چاپی، نسخه های خطی که عده آنها با شمول عربی و فارسی و اردو بالغ بچهار هزار می باشد، نیز در این کتابخانه جمع آوری شده است و گمان می برم لا اقل صد نسخه از میان آنها را بجهت مختلف می توان نادر گفت و نسخه مهر جهان تاب تألیف حکیم سید فخر الدین خیالی رای بریلوی یکی از نسخه هائی نادر ترین این کتابخانه است که بطور قطع نسخه یگانه خطی است که از ذخیره کتابی دکتر سید عبدالعلی مرحوم پسر شادروان مولانا سید عبدالحق فرزند سید خیالی به کتابخانه ندوة العلماء آمده است و در جایی دیگر نسخه دوم آن پیدا نیست.

مهر جهان تاب کتابی است مستبر و سنگین که در آخرین سالهای سده سیزدهم و سالهای نخستین از سده چهاردهم هجری سمت تألیف و نگارش یافته و از عده ای جهات خیلی با ارزش و کم نظیر است در این مقاله کوچک میخواهم کتاب نامبرده را بشما معرفی کنم و توجه شما را به ارزیابی آن جلب نمایم اما پیش از حرف زدن در باره تألیف شایسته میدانم با نهایت اختصار مؤلفش را بشناسانم.

حرفی راجع به مؤلف مهر جهان تاب

از تذکره نگاران فارسی مانند احمد علی احمد، سید صدیق حسن خان، نواب سید نور الحسن خان، نواب سید علی حسن خان، مظفر علی صبا، منشی رحمان علی، مولوی عبدالغنی و مولوی ترک علی قلندر^۲ که با مؤلف مهر جهان تاب معاصر بوده اند، هیچ کدام این نویسنده چیره دست و سراینده نیک سیرت را در تألیفات خودشان مذکور نداشته اند، با اینکه بسیاری از شاعرانی و مؤلفانی که سزاوار آن نبوده اند، و این همه نویسندگان تذکره ها یاد آنها را قلمی کرده اند. از تذکره نگاران اردو می توان نام لاله سری رام را تذکر داد که در جلد سوم از خمخانه جاوید^۳ مطری چند راجع به سید فخرالدین خیالی نوشته است. باری در نسخه مهر جهان تاب و گل رعنا و نزهت الخواطر از تألیفات فرزند شهیر خیالی مولانا سید عبدالحمی حسنی ذکرش با کمی تفصیلی ثبت افتاده است و بنده هر چه از این سه کتاب مکشوف کرده ام با اختصار در اینجا قلمداد میکنم.

مولوی حکیم سید فخرالدین حسنی رای بریلوی متخلص به فخر و میر و سپس خیالی فرزند مولانا سید عبدالعلی حسنی، از اعیان خانواده حسنی بود، و چنانکه از نزهة الخواطر^۴ و مهر جهان تاب^۵ بر می آید نسبش به سی و چهار واسطه به جناب سید حسن مشنی پسر سیدنا حسن محبتی رضی فرزند اکبر خلیفه چهارم حضرت علی رضی می پیوندد، و چون سیده فاطمه صغری دختر سیدنا حسین رضی شهید کر بلا فرزند دوم حضرت علی رضی زوجه جناب سید حسن مشنی بود - این خانواده را حسینی نیز گویند.^۶ در این خانواده بسیاری از اعظام صلحاء و اکابر اولیاء بوده اند که احوالشان در تذکره شاه علم الله^۷، نزهة الخواطر^۸، گل رعنا، تذکره الابرار^۹، سیرت سید احمد شهید^{۱۰}، حیات عبدالحمی^{۱۱}، کاروان ایمان و عزیمت^{۱۲}، مهر جهان تاب^{۱۳} و سیرت السادات^{۱۴} ایراد شده است.

خیالی در ۱۲۵۶ ۱۰ بمحل تکیه شاه علم الله حسنی در کنار شهر رای بریلی چشم بجهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان جا و سپس نزد پدرش و مولانا محمد طه نصیر آبادی^{۱۶} و حکیم احمد جان دهلوی^{۱۷} و مولانا علی بخش جالیسی در ناگور که پدرش در آنجا بسمت تحصیلدار منصوب بوده، فراگرفت. در ۱۲۶۹ ۵ خیالی بی پدر مانده و به مولد خود بازگشت نمود و از جد مادریش مولانا محمد ظاهر حسنی^{۱۸} که در آن وقت پرورش او را بعهده گرفته بود، و نیز از مرزا رحیم الله^{۱۹} تحصیلاتی کرد. در ۱۲۸۳ ۵ به لکهنؤ آمده از مولانا محمد نعیم فرنگی محلی^{۲۰}، حکیم محمد یعقوب لکهنوی^{۲۱} و منشی امیرالله تسلیم^{۲۲} دانشهای عالی و پایانی

دینی و فنون پزشکی و ادبی را تحصیل کرد و در فن خطاطی نیز دستگامی بهم رسانیده به رای بریلی برگشت و به راه نمایی سید خواجه احمد بن یاسین نصیرآبادی^{۲۲} مسالک طریقت را پیموده مجاز بیعت و خلافت گردید. مالهایی را بحکم ضرورت و منظورتطلب معاش در شهرهای اودیپور، بیدر، حیدرآباد، تونک و بهوپال زندگی میکرده و در آخر عمر در زادگاه خود گوشه گیر شده بود. وفاتش در ۱۳۲۶ هـ. ق اتفاق افتاد.

در باره کیش و کنش خیالی اگر نوشته های گل رعنا و نزهة الخواطر را بچند واژه خلاصه کنیم بدین قرار می باشد، که او مردی بود با طبع راحت نیکو طبیعت، صبر کننده، شکر گوینده، قناعت پیشه، متانت اندیشه، تواضع گننده، عزلت گزیننده، دائماً در اصلاح نفس کوشان، رفتارش با دوست و دشمن یکسان، از کینه و تکبر و غرور در همه حال دور و نفور، کارهای دینی و خدمت خاکی را با توجه تمام مراقب، نجات اخروی را در همه حال بحسن عمل طالب، در گفتار و پوشش و همه آداب زیست هیچ نکافی نمی ورزید، و تظاهر بکمال را خوش نمی دید، و بالجملة از روی ظاهر و باطن مؤمنی بوده.

آثار علمی و قلمی خیالی چنانکه فرزند ارجمندش مؤرخ شناخته هندوستان سید عبدالحمثی حسنی توضیح داده است فراوان بوده که متأسفانه غالب آن از بین رفته^{۲۵} اما آنچه در دست است آن هم وسعت اطلاعات نویسنده در علوم و فنون مختلفه، چیره دستی وی را بر زبانهای عربی، فارسی، اردو و وقوف بر زبانهای دیگر را نشان می دهد. و آن عبارت است از سیرت السادات، سیرت علمیه، سبیل النجات، بجزئیات خیالی، فخرالمطالب، ترجمه الانصاف فی بیان سبب الاختلاف از شاه ولی الله دهلوی، حواشی شرح وقایه، دیوان فارسی، دیوان اردو، مجمع البحرین، مسدس خیالی، نگارخانه چین، آئینه خیالی، ترجمه سبیل النجات، ابیاتی بحرایی، منجیات خیالی، واردات خیالی، نثر خیالی، ماه و خورشید، بهار تسلیم، طلسم خیالی و مهر جهان تاب. از این آثار یاد شده بعضی بحرایی است و بعضی به فارسی و اردو و بعضی از اینها بچاپ رسیده است و بعضی هنوز در انتظار چاپ و انتشار است^{۲۶}، اما مهم ترین کارنامه علمی و ادبی خیالی کتابش «مهر جهان تاب» است که اینک در صدد معرفی آن هستیم.

سبب تألیف

سبب بوجود آمدن این پدیده ارزنده علمی، حادثه ویژه ای نبوده است، بلکه همانند بسیاری از نویسندگان، مؤلف مهر جهان تاب نیز خواست که یادگار از او

بجهان بماند تا بواسطه آن نامش هم بر زبانهای جهانیان رود. در نثر سوم از دیباچه کتاب خود او این مطلب را شرح داده است جایی که بعد از ستایش خدا و نعمت رسول ص و مدح سخن و سخنوران و دانش مندان کهن نگارش می دهد:

« - - - بدین روش روشن نامی ، این دست گرفته گمنامی هم خواست که با نگارش داستان بزرگان سرگذشت روزگار خود دست و گریبان کند ، و خود را نیز سبزه مانند در پای بان نکویان پیوندد ، باشد که با این نگارش کام نگار این ناکام بر تخت نشیند و در برابر گل کوشش زنده داشتن نام بلند نامان روی جاوید زندگانی بیند - - - »^{۲۷}

مال تألیف و کتابت

چنانکه از دیباچه کتاب در می یابیم نویسنده در خلال سی و سه سالگی خودش تا هشت سال پیش از وفات دست به نگارش مهر جهان تاب می زده است که بدین قرار زمان گرد آوری و نگارش این کتاب محیط باشد بر سالهای ۱۲۸۸ هـ تا ۱۳۱۸ هـ ، و چون نسخه دست نویس مؤلف است ، زمان کتابت نیز غیر از سالهای پایان قرن سیزدهم و اولین سالهای قرن چهاردهم هجری قرار نمی یابد.

مآخذ و مراجع کتاب

در صفحه دوم از جلد اول ، نویسنده شخصت و یک کتاب را نشان می دهد که مورد اخذ و استفاده مؤلف بوده اند ، مانند کشف الظنون ، اتمام الدرایه ، حیاة الحیوان ، تهذیب اسماء الرجال ، اخبار الاخیار ، شواهد النبوة ، خلاصة الحساب ، کافیه ، کبری ، قانونچه ، مقدمه هدایه ، تشریح عاملی ، سیرة النعمان ، حیاة سعدی ، اتحاف النبلاء ، منتخب الاولیاء ، آنشکده آذر ، مرآت خیال ، ریاض الفردوس ، کلمات الشعراء ، حدیقة الافالیم ، مرآة جهان نما ، مصباح التواریخ ، تاریخ فرشته ، منتخب التواریخ ، گزار هند ، تاریخ چین ، تاریخ روم و - - - بسیاری از دیوانهای سرایندگان فارسی ، عربی ، اردو ، هندی و نوشته های دیگر را نیز پیش چشم داشته است که اسامی آنها را در این فهرست قلم انداز کرده است و در خلال متن جای بجای نام آنها را می برد. از اسامی کتابهایی که در بالا تذکر دادم میتوان حدس زد که اکثری از نویسندگان کتابهای مورد استفاده خیالی شایسته اعتماد و استناد هستند ولی متأسفانه در مؤلفان مورد اعتماد نویسنده مهر جهان تاب نام بعضی از دروغیان سرشناخته مانند واقدی را نیز می بینیم - اما باید در اینجا نکته ای را یادیده نگیریم که فخرالدین خیالی ادیب است ، طبیب است ، صوفی و روحانی است

شاعر و وجدانی است و حتی با همه خویش و بیگانه خوش عقیده و بهایه یگانگی رسیده است ، ولی محقق نیست. و خود او هم این دعوی نمیکنند بلکه نگارخانه ای می آراند که در آن جلوه های رنگا رنگی بگونه ای آمیزش و آویزش می پذیرند که در دیگر جای بنظر نمی خورد -

تسمیه کتاب

نویسنده خودش این کتاب را با این عنوان زینت داده است چنانکه بعد از بیان داشتن سبب تألیف به آن اشاره میکنند «...» از آن که این نامه بیشتری از جهانیان را سرگذشت نامست و چون مهر گیتی روشن فرما «مهر جهان تابش» خواندم^{۲۸}...»

کاتب و خط

این نسخه دست نویس خود مؤلف است و غالب برگزینش بخط شکسته مکتوب شده است که بواژه های سید عبدالحمی «شیرینی عجیبی دارد»^{۲۹} اما چون در مختلف احوال و اوقات تسوید شده است خط همه نسخه از آغاز تا انجام یکجور نیست و در خلال شکسته نستعلیق عادی و زیبا نیز در جای بجای بنظر می خورد.

قطع و سطور

جلد اول کتاب که در سه مجلد است هر سه مجلد آن بیست و نه ۳۰ سانتی متر طول و نوزده ۱۹ سانتی متر عرض دارد ، اما مجلد اول از جلد دوم در قطع بیست و شش ۲۶ سانتی متر در طول و بیست ۲۰ سانتی متر در عرض واقع گردیده است و مجلد دوم از جلد دوم دارای سی و یک و نیم سانتی متر طول و بیست ۲۰ سانتی متر عرض است.

بواسطه آنکه خط و قطع همه کتاب یکسان نیفتاده است ، شماره های سطرها نیز مختلف گردیده است. در هر سه مجلد از جلد اول در غالب صفحات بیست و یک و در بعضی زاید بر آن ، و همچنین در جلد اول از مجلد دوم هجده (۱۸) و نوزده (۱۹) و در مجلد دوم آن پانزده تا سی سطر در صفحه ای یافته می شود.

عده صفحات

جلد اول کتاب در هزار و سه صد و هشتاد صفحه مبسوط است و جلد دوم در هشت صد و هشتاد و دو صفحه گسترش دارد ، روی هم رفته تمام نسخه دو هزار و دو صد و شصت و دو صفحه را در بر می گیرد.

و اگر مایلید عدد صفحات هر پنج مجلد را جداگانه بدانید بدین قرار است: مجلد اول از جلد اول صفحه یک تا چهار صد و سی و چهار ۴۳۴، مجلد دوم از صفحه چهار صد و پنجاه ۴۳۵ تا هشت صد و شصت و هشت ۸۶۸ و مجلد سوم از صفحه هشت صد و هشتاد و نه ۸۸۹ تا هزار و سه صد هشتاد ۱۳۸۰ و مجلد اول از جلد دوم از صفحه یک تا شش صد ۶۰۰ و مجلد دوم آن از صفحه شش صد و یک ۶۰۱ تا هشت صد و هشتاد و دو ۸۸۲ را احاطه می کند.

چگونگی نسخه

بواسطه کهنگی رنگ کاغذ عوض شده است و جهت بوسیدگی با همه برگهای جلد اول کاغذ روغنی (Butter Paper) چسبانده اند - باری هنوز نسخه قابل استفاده است، و هر دو مجلد از جلد دوم با این چنین وضعیت خستگی و بوسیدگی نیست و در برابر مجلد های جلد اول بهتر، پایدار تر و قابل استفاده تر است.

نسخه های دیگر

چنانکه در سطور سابق یاد آور شدم، این تنها نسخه ایست که در هیچ جایی دیگر نقل چاپی یا رونوشت دست خطی آن پیدا نیست، غیر از آن که چند سال پیش جلد اول آن بکوشش جناب آقای سید ابوالحسن علی حسینی ندوی فرزند زاده نویسنده، در دهلی فیلم برداری شده است. اما جلد دوم آن بطور قطع هنوز نسخه ایست منحصر بقره و در سراسر جهان دوش وجود ندارد -

طرح مطالب

چنانکه در سطور بالا شرح دادم، نویسنده کتاب حاضر را به دو جلد انقسام داده است. جلد اول سه (۳) دفتر دارد. دفتر اول از آن مشتمل است بر سی و دو گفتار با سربند «ذکر» در بیان سی و دو دانش یعنی: اصول دین (۱)، تفسیر (۲)، حدیث (۳)، اصول فقه (۴)، تفسیر (۵)، نحو (۶)، معانی (۷)، بیان (۸)، بدیع (۹) خط (۱۰)، قرائت (۱۱)، تصوف (۱۲)، فرائض (۱۳)، منطق (۱۴)، هیئت (۱۵)، هندسه (۱۶)، طب (۱۷)، تشریح (۱۸)، عروض و قوافی (۱۹)، انقاس (۲۰)، تعبیر خواب (۲۱)، موسیقی (۲۲)، فراست (۲۳)، تکسیر (۲۴)، جفر (۲۵)، نجوم (۲۶) احکام (۲۷)، آثار (۲۸)، اماجی (۲۹)، آثار علویه و سفلیه (۳۰)، احتساب (۳۱) و احوال روات حدیث (۳۲) - این دفتر صفحه یک تا صد و پنجاه و یک را احاطه می کند.

دفتر دوم که صفحات ۱۵۱ تا ۷۳۸ را حاوی می باشد متضمن دو تذکره است. در تذکره اول ده گفتار با همان سربند «ذکر» ایراد کرده و در آنها: اخبار و

احوال ده (۱۰) طبقه از مردم یعنی انبیاء (۱) خلفاء (۲) ائمه اثنا عشر (۳) ،
عشره مبشره (۴) ، عموم صحابه (۵) ، تابعین (۶) ، اتباع تابعین (۷) مجتهدین (۸) ،
قاریان سبعة (۹) و محدثین (۱۰) و فقهاء و علمای شرع را بیان داشته است و
در تذکره دوم دو «ذکر» آورده در بیان احوال صلحای پیش از پیغمبر صلی الله علیه
وسلم و اولیای است محمدیه تا زمان خود مؤلف.

دفتر سوم صفحات ۷۴۸ تا ۱۳۸۰ را در بر میگیرد و متضمن است سه «تذکره»
را ، اول از آن حاوی احوال حکماء و اطبای پیشین و پسین است ، و نویسنده
زندگی نامه خود را نیز با ترتیب سالها در همین تذکره قلمی کرده است که نود و
هشت صفحه کتاب را احتوا می کند. تذکره دوم بر پنج «ذکر» اشتمال دارد و در
آنها : تراجم شعرای زبان عربی در عرب و عجم و هند ، تراجم شعرای فارسی در
ایران و هند ، تراجم ریخته گویان هند ، تراجم شاعران زبان هندی و احوالی
از نویسندگان انگلیسی را برشته نگارش کشیده است و گسترده ترین بخشهای این
تذکره بخشی است که مربوط است به احوال و آثار سرایندگان فارسی زبان در هند
و ایران. (این بخش در دوست و شصت و هشت (۶۶۸) صفحه گسترده دارد. تذکره
سوم متضمن نه «ذکر» است در بیان بعضی از واژه های زبانهای : سانسکریت (۱) ،
تلنگی (۲) ، کنثری (۳) ، مرهٹی (۴) ، پشتو (۵) اژیا (۶) ، حبشی (۷) ، ترکی (۸) ، و
سندهی (۹). و در پایان این تذکره ذکر بعضی از خطهای رایج کرده است
با عنوان خاتمه.

مطالب جلد دوم

چنانکه خود نویسنده در تمهید کتاب ابراز داشته است ۳۰ ، او می خواست
این جلد را در پنج دفتر بر نگارد و احوال و اوضاع تاریخی و جغرافی سراسر جهان و
جهانیان را از زمانه های پیشین تا زمان خودش در آن پنج دفتر بجمعه تحریر درآورد ،
ولی متأسفانه همین که مؤلف داشت دفتر اول را به پایان می رساند ، عقیده اش
عوض شد و کمبود قدر شناسان و ارج نهندگان این چنین کارها و علاقه مندانی
زبان فارسی را حدس زده دلش سرد شد و کتاب را از مر به زبان اردو نوشتن
گرفت. ولی زندگی مؤلف مساعدت نکرد که بیش از بخش کوتاهی را از قوه به فعل
رساند. باری آن یک دفتر که آن هم اندکی ناتمام مانده است در هشت صد و هشتاد
و دو (۸۸۲) سطح مبسوط است و متضمن است دو تذکره را. در تذکره اول
جغرافیا و تاریخهای اقلیم آسیا را در پنج باب شرح داده است. - باب اول در ذکر
ممالک شمالی ، باب دوم در ذکر ممالک جنوبی ، باب سوم در ذکر ممالک مغربی ،
باب چهارم در ذکر ممالک آسیای میانه ، باب پنجم در ذکر ممالک مشرقی -

تذکره دوم از این دفتر پنجم «باب» دارد. باب اول از آن حاوی احوال شاهان و فرمان روایان ممالک مغربی و آسیای میانه می باشد و متضمن است پنجاه و یک گفتار را با سربندهای «فصل» با پیوست عنوان های: پیش دادیان، کیانیان، اشکانیان، کسریان، تبابعة یمن، ملوک و شرفای مکه مکرمه، بنی امیه، بنی عباس، ملوک طوایف، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، آل بویه، سلجوقیان در دو فصل، خوارزمشاهیان، اتابکان در سه فصل، ملحدان قهستان، (قراختای کرمان)، انطاکیان، شلیقیان، معکوجیان، (خانان ترک)، تاتاریان، مغولان، القوانیان، چنگیز و چنگیزیان در سه فصل، چغانیان، شنسیانیان، خانان کاشغر، چوپانیان، ایلخانیان، شیرازیان، مظفریان، کرتیان، سرداران، تیمورگورکان و گورکانیان در دو فصل، قراقرینلوی عراق، ملوک آق قویونلو، صفویان، نادر شاه، زلندیان، کجر بانیان و شروانیان (واضح است که غالب این بخش مربوط است به تاریخ ایران و ایرانیان).

باب دوم از این تذکره حاوی ذکر شاهان بنی اسرائیل است در دو طبقه - طبقه اول از رجعام تا صدقیه و طبقه دوم در بیان حاکمان شمرن.

باب سوم در احوال شاهان جنوب است در سه «فصل»، فصل اول در ذکر شاهان انام سیام برهما و دیگران، و فصل دوم در ذکر شاهان هند و طبقاتشان. اما فصل سوم آن متضمن است ده «ذکر» را، راجع به: غوریان، خلجیان، تغلقیان، خضر خانیان، لودیان، تیموریان در هند، تسلط انگلیسیان، ریاستهای انقراض پذیرفته در اطراف هند مانند آسام، احمد نگر، بنگاله، بیدر، بیجاپور، برهما، پونا، چاگپور، بنگش، جون پور، خاندیش، سندھ، کشمیر، گجرات، حیدرآباد، حسن آباد، احمد آباد، لاهور، ماتان، ملیار، مالوه، مالڈو، احوال راجیان و نوابان زیردست انگلیسیان، احوال تعلقداران اوده.

باب چهارم از این دفتر احوال شاهان ممالک شمالی را احتوا میکند. باب پنجم در بیان شاهان و حکم رانان ممالک مشرقی چین و جاپان است، شاهان چین را نویسنده در هجده ۱۸ گفتار شرح داده است با سربندهای «طبقه». ولی از احوال شاهان جاپان مؤلف تنها هفت صفحه را قلمداد نموده بود که قلم از دست انداخت.

مبک نگارش

علمای بلاغت سبک انشاء را به سه نوع: علمی، ادبی و خطابی معرفی کرده اند. از آن الواع سه گانه در این کتاب دو نوع بچشم ما می خورد. در بخشهای مربوط

به علوم و فنون و تاریخ ممالک و ملوک و احوال انبیاء نویسنده سبک علمی ساده را بکار برده است، برای مثال، در بیان هفت خوان رستم جایی می نویسد:

... «سحرگان چون رستم نامور رهگرا شد، شامگاهان در نیستانی برسید و گورخری شکار کرد و کباب کرده بخورد و رخشش را بصحرا بگذاشت تا بچرد...»^{۳۱}

و یا در معرفی جزایر لوچو می نگارد: «سی و شش جزایر که در میان جزایر کوریا و فاروسا و جاهان واقع اند، به لقب «لوچو» مشهور اند و در ۱۳۷۲ء شاه آنجا بخود مطیع فغفور گردید...»^{۳۲}

در همه این چنین موارد بدون هیچ گونه عبارت آرایبی و قافیه پیمایی مطلب را به قرطاس رها کرده است. اما در بخشهای تراجم شعر او غیر آن سبک نگارش بدین گونه نیست، بلکه مؤلف در آنجا مطالب را با رعایت سجع و قافیه قالب ریزی کرده است و مخصوصاً هر سه نثرهایی را که بعنوان دیباچه در آغاز کتاب افزوده است کاملاً بسبک ادبی برشته نگارش کشیده است. برای مثال اقتباس های زیر را بخوانید:

«لاله خاتون، زنی مردانه روش، بزرگی منش، دقیقه یاب، اندیشه تاب، حاکم ولایت کرمان بوده...»^{۳۳}

«پرتوی - اصلش از شیراز بود، در عهد خود از اقران ممتاز بود...»^{۳۴}
 «راستی کلمه موزولی کلام باستقامت سهی بالای صلح شعار، اعتدال دثار، سرو جویبار رسالتی است که از شنگرف شقایق دنیا و سپیده یاسمین دین درگل شرع ریخته، و سلاسل مذاهب باطله از بهر اجتماع در مجمع البچار دین حنیفی بعد تطهیر هوای توحید چو سلک قطرات مطر از هم کسبخته...»^{۳۵}

نکنه جالبی این است که نثر خیالی چه رنگین باشد و چه ساده در عین حال پخته می باشد.

ارزش و مزایای مهر جهان تاب

از تفصیل مجملی که در باره محتویات مهر جهان تاب قبلاً قلمداد شد، می توانید حدس بزنید که نسخه مورد ذکر، از حیث فراوانی مطالب و گوناگونی موضوعات خیلی مهم است و با نشان دادن کثرت اطلاعات مؤلف، خواننده را بجای

صد ها کتاب که در مورد دانشهای گوناگون و تاریخ ملل و کشور های جهان و تراجم اعلام دوره های مختلف نوشته اند ، بکار آید ، و از این رو اگر آن را دایره معارفی بگوییم ناسزا نگفته باشیم. دیگر از مزایای کتاب را می توانیم بقرار زیر شرح دهیم :

در تاریخ نویسی مؤلف تنها با ذکر حوادث روزگار و آوردن داستانهای جنگ و صلح سروکار نداشته بلکه از رسوم ملی و خصایص بومی اقوام و ممالک در نقاط مختلف جهان نیز اطلاعاتی بدست خواننده می دهد. همان طور ، زندگانی معارف و بزرگان را چنان شرح داده است که با افزودن اطلاعات ، خواننده می تواند درس خوش سیرتی و خود سازی هم فراگیرد.

در باره معاصران خود از دانشمندان ، سرایندگان ، پزشکان و صوفیان و نیز راجع به چگونگی اوضاع سیاسی و فرهنگی آن دوره، آنچه بطور فشرده از قلم مؤلف در این کتاب ثبت افتاده است ، اگر یکجا و با ترتیب گردد ، دستاویزی خواهد شد برای مؤرخان و محققانی که تاریخ هند در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری و اوایل قرن چهاردهم را مورد بررسی قرار می دهند. و برای این منظور مهم ترین نوشته ، تذکره خود نویسنده است که شامل جلد اول کتاب است و نزدیک به صد صفحه کتاب را محتوی می باشد ، هم ازین جهت ارزشی بسزا دارد که اطلاعات موثقی ، نسبت به مؤلف بدست ما می دهد و هم از آن جهت که مشاهدات چشم دید نویسنده را در نقاط مختلف کشور احاطه می کند و در همین بخش سرگذشت جنگ استقلال هند که در ۱۸۵۷ میلادی رویداده بود، بچشم خواننده می خورد و در آن داستان هر چه بقرطاس ودیعت شده، مؤلف بچشم سر خود دیده بود.

نویسنده زبانی را که برای شرح مطالب بکار برده است با اهل زبان مماثل تر است تا هندیان فارسی دان ، و بنده گمان می برم که این بر اثر آنست که نویسنده با اینکه عالم متبحری بوده ، در زمانیکه رخت اقامت در شهر بیدر افکنده و به سمت ریاست تدریس یکی از آ.وزش گاه های آن سامان انتصاب داشته ، در همان روزها با یک نفر ایرانی محمود نام و حریف تخلص که مال اصفهان بود، هم نشینی ها کرده و صحبتها داشته و مجاوره زبان را بتصحیح می رسانده بود.^{۳۶}

برای استادان و دانش جویان فارسی و ایران شناسان این کتاب دو گونه جالبیت دارد ، یکی آنکه تذکره شعرای فارسی آن ، بزرگ ترین بخش تراجم است که نزدیک به سی صد صفحه را احتوا می کند ، دیگر آن که در بخش تاریخ ، شرح احوال

و اوضاع ایران نزدیک بشش صد صفحه گسترش یافته است و با تاریخ هیچ یک کشور دیگر، مؤلف اینقدر اعتنا نورزیده است.

در هر حال، این کتاب کم نظیر که حاوی زیاد بردو هزار صفحه در قطع بزرگ می باشد، از عده ای جهات خواندنی و استفاده بردنی است و ارزش آن دارد که چاپ گردد و شناخته شود، تاریخی که نویسنده مرحوم در ظرف سی و یک سال در گردآوری و ترتیب این گنجینه دانش و فرهنگ برداشته است به هدر نرود و جهان دانش و فرهنگ بواسطه گذشت زمان بر از بین رفتن آن حسرت نخورد.

پاروقی ها

- ۱- رجوع کنید به روداد های ندوة العلماء، حیات شبلی از سید سلیمان ندوی و حیات عبدالحمی از سید ابو الحسن علی حسنی ندوی
- ۲- اسامی تذکره های مؤلفان نامبرده بقرار زیر می باشد:
هفت آسمان، شمع الجمن، (نگارستان سخن)، (صبح گلشن)، روز روشن، تذکره علمای هند، تذکره الشعراء، سخنوران چشم دیده.
- ۳- ص ۹۹ از کتاب نامبرده، چاپ دهلی، ۱۹۱۷ م
- ۴- ص ۹۵۵، چاپ حیدرآباد، ۱۹۷۰ م
- ۵- ص ۲۶۶ نسخه دست نویس مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء لکهنؤ
- ۶- ص ۵۲۴ گل رعنا از سید عبدالحمی رای بریلوی، چاپ اعظم کڑه ۱۳۷۰ هـ
- ۷- تألیف سید محمد حسنی، چاپ لکهنؤ ۱۹۲۰ م
- ۸- جلد های هشتگانه این کتاب توسط دایرة المعارف العثمانیه در حیدرآباد از ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۲ مجدداً بچاپ و انتشار رسیده است -
- ۹- تألیف سید عبدالحمی حسنی رای بریلوی نسخه خطی کتابخانه ندوة العلماء لکهنؤ
- ۱۰- تألیف سید ابو الحسن علی ندوی، چاپ لاهور ۱۹۸۰ م
- ۱۱- تألیف سید ابو الحسن علی ندوی، چاپ دهلی ۱۹۷۰ م
- ۱۲- تألیف سید ابو الحسن ندوی، چاپ لاهور ۱۹۸۰ م
- ۱۳-۱۴- تألیف سید فخرالدین خیالی نسخه های خطی کتابخانه ندوة العلماء لکهنؤ

- ۱۵- مهر جهان تاب ص ۷۶۶ ج ۱ ، سیره السادات ص ۱۴۲ ، نزهت الخواطر ج ۸ ص ۲۵۵ ، گل رعنا ص ۵۲۴
- ۱۶- یکی از علمای آن دوره و زاهد بی ریا بود ، وفاتش در ۱۲۷۴ هـ واقع گردید .
(نزهت الخواطر ج ۷ ص ۴۵۵ چاپ دوم با ارجاع به مهر جهان تاب)
- ۱۷- از علمای کبار و مشائخ آن روزگار و مؤلف عده ای رساله ها در تصوف و انتقاد از بدعات و سراینده زبان اردو بوده در ۱۲۷۸ هـ وفات یافت .
(نزهت الخواطر ج ۷ ص ۴۵۶ چاپ دوم)
- ۱۸- در اصول و فروع همه علوم دست داشت ، وفاتش در ۱۲۸۳ هـ اتفاق افتاد
(نزهت الخواطر ج ۷ ص ۱۲۷ با ارجاع به مهر جهان تاب)
- ۱۹- از علمای معروف و مخصوصاً در علم فرائض و حساب چیره دست بوده . در ۱۲۸۲ هـ وفات یافت . (نزهت الخواطر ج ۷ ص ۵۲۲ چاپ دوم)
- ۲۰- از طبیبان حاذق و معاریف عصر بوده ، وفاتش در ۱۲۸۶ هـ واقع گردید .
(نزهت الخواطر ج ۷ ص ۵۴۹ چاپ دوم)
- ۲۱- از شعرای سرشناخته روزگار خود بوده ، سال وفاتش در ۱۳۲۹ هـ نوشته اند .
- ۲۲- از علمای بزرگ و پیشوایان متصوفه عصر بوده ، در ۱۲۸۹ هـ وفات یافت
(نزهت الخواطر ج ۷ ص ۳۸ چاپ دوم)
- ۲۳- نزهت الخواطر ج ۸ ص ۳۵۸ و گل رعنا ص ۵۳۷
- ۲۴- گل رعنا ص ۵۲۷
- ۲۵- برای بدست آوردن اطلاعات مفصلی راجع به احوال و آثار خیالی باید :
- نزهت الخواطر ج ۸ ص ۳۵۴ تا ۳۵۸ ، گل رعنا ص ۵۲۴ تا ۵۴۶ ،
حیات عبدالحمی ص ۱۴ تا ۲۶ ، مهر جهان تاب ص ۷۶۵ تا ۸۶۳ و سیره
السادات ص ۱۴۲ را مورد مطالعه قرار بدهید .
- ۲۶ و ۲۷- ص ۶ ، ۷ ، ۸ مهر جهان تاب ، جلد اول
- ۲۸- گل رعنا ص ۵۲۵
- ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲- مهر جهان تاب ، ج ۲ ص ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۸۷۵
- ۳۳- مهر جهان تاب ، ص ۳ ج ۱
- ۳۴- مهر جهان تاب ، ج ۶ ص ۱۰۰۷
- ۳۵ و ۳۶- مهر جهان تاب ، ج ۱ ص ۳ و ۸۳۸ ، خم خانه جاوید ، ج ۳ ص ۱۰۰